

The concept of active resistance strategy in the foreign policy of the Islamic Republic of Iran

Reza Ansari Bardeh

Corresponding Author, Master student of Islamic education and political science, Imam Sadegh University, Tehran, Iran. Ansarireza313@gmail.com

Mahdi Javdanimoghadam

Assistant Professor of International Relations, Faculty of Islamic Studies and Political Science, Imam Sadegh University, Tehran, Iran. Javdani@isu.ac.ir

Abstract

The non-aligned strategy has been accepted as the main direction of Iran's foreign policy, while the performance of Iran's foreign policy is not necessarily consistent with the non-aligned strategy. Iran's foreign policy strategy can be called active resistance. Active resistance is a new approach of the non-alignment orientation based on the denial of domination and its acceptance. The importance of this discussion is in providing a scientific explanation of the strategy of active resistance, because this strategy provides a more accurate explanation of the performance of Iran's foreign policy and makes decisions closer to reality. The main question of this research is what is the main strategy of Iran's foreign policy? The research hypothesis is that the main strategy of Iran's foreign policy is the strategy of active resistance, not the orientation of non-alignment. Research Method In this article, the descriptive-analytical method using documentary-library data and non-structured elite interviews. The result of the research is to reach the idea that the main direction of Iran's foreign policy is active resistance. Active resistance is the main factor in directing Iran's foreign policy due to its conformity with the principles of the Islamic Revolution and its conformity with the environment of the West Asian region.

Keywords: Iran, foreign policy, non-alignment, active resistance, West Asia.

مفهوم راهبرد مقاومت فعال در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران^۱

رضا انصاری بارده

نویسنده مسئول، دانشجوی کارشناسی ارشد معارف اسلامی و علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران Ansarireza313@gmail.com

مهدی جاودانی مقدم

استادیار روابط بین‌الملل دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران Javdani@isu.ac.ir

چکیده

راهبرد عدم تعهد به عنوان جهت‌گیری اصلی سیاست خارجی ایران پذیرفته شده است و این درحالی است که عملکرد سیاست خارجی ایران لزوماً منطبق با راهبرد عدم تعهد نیست. راهبرد ایران در سیاست خارجی را می‌توان مقاومت فعال نامید. مقاومت فعال، خوانش جدیدی از جهت‌گیری عدم تعهد است که بر مبنای نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری است. اهمیت این بحث در ارائه تبیین علمی از راهبرد مقاومت فعال است زیرا این راهبرد، تبیین دقیق‌تری از عملکرد سیاست خارجی ایران ارائه می‌کند و تصمیمات را به واقع نزدیک‌تر می‌سازد. سوال اصلی این پژوهش این است که راهبرد اصلی سیاست خارجی ایران چیست؟ فرضیه تحقیق این است که راهبرد اصلی سیاست خارجی ایران، راهبرد مقاومت فعال است، نه جهت‌گیری عدم تعهد. روش پژوهش در این مقاله روش توصیفی - تحلیلی با استفاده از داده‌های اسنادی - کتابخانه‌ای و مصاحبه نخبگانی غیرساختمند است. دستاورد پژوهش رسیدن به این ایده است که جهت‌گیری اصلی سیاست خارجی ایران، مقاومت فعال است. مقاومت فعال به دلیل همخوانی با مبانی اندیشه‌ای انقلاب اسلامی و همخوانی با محیط منطقه غرب آسیا اصلی‌ترین عامل در جهت دهی به سیاست خارجی ایران است.

واژه‌های کلیدی: ایران، سیاست خارجی، عدم تعهد، مقاومت فعال، غرب آسیا

تاریخ دریافت: ۰۰/۰۲/۰۲ تاریخ بازبینی: ۰۰/۰۳/۰۷ تاریخ پذیرش: ۰۰/۰۳/۲۹

فصلنامه راهبرد، دوره ۳۰، شماره ۹۸، بهار ۱۴۰۰، صص ۱۰۱-۱۲۷

۱. این یک مقاله دسترسی آزاد تحت مجوز/CC BY-NC-ND (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>) است.

مقدمه

بیان مسئله: سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران همواره با رویکردی انتقادی نسبت به نظم بین‌المللی موجود همراه بوده است. نگاه ایران به مسائل نظام بین‌الملل، نگاهی خلاف جریان اصلی و انتقادی بوده است. جمهوری اسلامی هیچ‌گاه با قدرت‌های بزرگ وارد اتحاد و ائتلاف نشده‌است و راهبرد غالب سیاست خارجی آن عدم‌تعهد یا به تعبیر دقیق‌تر که در این پژوهش به آن پرداخته شده، مقاومت فعال بوده‌است. ما در این پژوهش به دنبال تبیین راهبرد مقاومت فعال در سیاست خارجی جمهوری اسلامی هستیم. نگارندگان بر این باور هستند که راهبرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی در دهه چهارم انقلاب، راهبرد عدم‌تعهد نیست، بلکه راهبرد ایران طی یک دهه گذشته تغییراتی داشته‌است که ما به دنبال مدون‌سازی تغییرات به وجود آمده در قالب راهبردی جدید به نام مقاومت فعال هستیم.

اهمیت: اهمیت پرداختن به این موضوع در این است که تبیین مقاومت فعال، نگاهی بومی‌شده و واقعی به منافع ملی ارائه می‌دهد و درک دقیق‌تری از مفهوم منافع ملی در دیدگاه نخبگان سیاست خارجی ایران را ممکن می‌سازد. همچنین این راهبرد به دلیل همخوانی بیشتری که با منافع ملی جمهوری اسلامی ایران دارد، بیشتر از سایر رویکردها، واقعیت‌های تصمیم‌گیری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را مشخص می‌کند.

ضرورت: از طرف دیگر عدم‌توجه به راهبرد مقاومت فعال باعث معطل ماندن منابع و توان کشور در رویکردهای وارداتی و دستوری به منافع ملی خواهد شد.

همچنین عدم بررسی علمی راهبرد مقاومت فعال و تمرکز منابع علمی بر راهبرد عدم تعهد، به عنوان راهبرد اصلی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، موجب درک غیرواقع بینانه از نقش و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران می شود و برداشت های متفاوت و متعارضی نسبت به راهبرد مقاومت فعال به وجود می آید.

اهداف: هدف اصلی این پژوهش، تبیین الگوی مقاومت فعال در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است.

سوال ها و فرضیه: ما در این پژوهش به این سوال اصلی می پردازیم که راهبرد اصلی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران چیست؟ همچنین به این سوالات فرعی نیز پرداخته می شود که تفاوت راهبرد مقاومت فعال با جهت گیری عدم تعهد در سیاست خارجی جمهوری اسلامی چیست و درک این راهبرد چگونه می تواند تبیین دقیقی از مفهوم منافع ملی ایران ارائه دهد؟ فرضیه ما در این پژوهش این است که راهبرد سیاست خارجی ایران، عدم تعهد نیست، بلکه راهبرد مقاومت فعال است که بیشتر و بهتر از راهبرد عدم تعهد، تبیین کننده منافع ملی ایران است.

روش: این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از داده های کتابخانه ای و مصاحبه نخبگانی غیرساختمند انجام شده است. روش مصاحبه نخبگانی را نمی توان به صورت ساختمند انجام داد، زیرا اطلاعات هر نخبه متفاوت از نخبه دیگر است (سیدامامی، ۱۳۸۸، ص. ۴۱۰). در این پژوهش مصاحبه با هر نخبه اطلاعات تکمیلی تری برای مصاحبه های بعدی در اختیار ما قرار می دهد. ما فرایند مراجعه به نخبگان را تا رسیدن به اشباع داده ای ادامه دادیم و در آخر داده های به دست آمده را با توجه به الگوی تحلیل به کار گرفتیم.

۱. پیشینه تحقیق

پژوهش های انجام شده در این حوزه را می توان در سه دسته بندی قرار داد؛ اول، پژوهش هایی که از دیدگاه نظری به مفهوم مقاومت پرداخته اند. دوم، پژوهش هایی که رویکردهای غیرغربی به مفهوم مقاومت را مورد بررسی قرار داده اند، که عمدتاً در چارچوب رویکردهای انتقادی جای می گیرند و سوم، پژوهش هایی که رویکردهای اسلامی به مفهوم مقاومت را بررسی کرده اند.

(قادری کنگاوری، ۱۳۹۱) به مبانی فرانظری و مناظره‌های نظری پیرامون مقاومت می‌پردازد. وی نظریات مقاومت را تلاشی ازسوی اندیشمندان برای حل معضل‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی می‌داند. قادری در ادامه به ضرورت تبیین اندیشه بومی درخصوص مقاومت اشاره می‌کند و به تعریف مفاهیم و مبانی نظری مقاومت در اسلام می‌پردازد. مفاهیمی همچون قاعده نفی سبیل، دفاع مشروع و جهاد که همگی ذیل مفهوم مقاومت جای می‌گیرند.

(افتخاری، ۱۳۹۹) در کتاب «مقاومت در اسلام» به بررسی رویکرد اسلامی به مقاومت و نظریه اسلامی مقاومت می‌پردازد. افتخاری مقاومت را دارای دو معنای سلبی و ایجابی می‌داند. بعد ایجابی مقاومت بر محوریت «تقویت درونی» است و بعد سلبی آن بر محوریت «بازدارندگی». وی معتقد است در مسئله مقاومت دو پارادایم اصلی سکولار و شریعتمدار قرار دارد. ایشان مقاومت اسلامی را ذیل پارادایم شریعتمدار تعریف می‌کند. افتخاری معتقد است پردازش نظریه مقاومت، خصوصاً نظریه مقاومت اسلامی موردتوجه اندیشمندان قرار نگرفته و تبیین نظری نظریه مقاومت اسلامی را لازم می‌شمارد.

(سعیدی & مشیرزاده، ۱۳۹۶) در مقاله «تکثرگرایی در روابط بین‌الملل و امکان ارائه نظریه‌های غیرغربی» بیان می‌کنند که ماهیت غربی (مهدی پور، ۱۳۹۸) نظریات روابط بین‌الملل، سال‌ها باعث ایجاد انحصار در این حوزه شده بود. ایشان معتقدند در سال‌های پایانی قرن بیستم بر اثر ظهور رهیافت بازاندیش‌گرایی، رواج تعاریف موسع‌تر از نظریه، گسترده شدن موضوعات روابط بین‌الملل و حضور و نقش‌آفرینی جدی‌تر بازیگران غیرغربی، حصارهای فرانظری ایجادشده در دانش روابط بین‌الملل شکسته شده و دیگر رویکردها نیز فرصت ابراز پیدا کرده‌اند.

(عباسی، حبیبی، & پارسا، ۱۳۹۲) با کاربست نظریه موازنه تهدید به بررسی دلایل ساختاری شکل‌گیری پدیده مقاومت اسلامی پرداخته‌اند. ایشان به دنبال بررسی این موضوع بوده‌اند که چگونه در نظام بین‌الملل هژمونیک، نظریات انتقادی توانسته‌اند به تبیین عملکرد اسلام‌گرایان و جبهه مقاومت اسلامی بپردازند.

(مهدی پور، ۱۳۹۸) به تبیین مدل مفهومی مقاومت در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای پرداخته است. وی بیان می‌دارد که پیروزی انقلاب اسلامی باعث شد تا رویکردی انتقادی نسبت به پارادایم غربی در روابط بین‌الملل شکل گیرد. انقلاب اسلامی توانست به الگویی ساختارشکن در معادلات نظام جهانی قدرت تبدیل شود. وی بیان می‌کند که مقاومت در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای جایگاه برجسته‌ای دارد و ایشان در سال‌های رهبری خود، به دنبال تقویت این گفتمان در جمهوری اسلامی ایران بوده‌اند.

این پژوهش با استفاده از جمع‌بندی پژوهش‌های انجام‌شده، به تبیین راهبرد مقاومت فعال در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران پرداخته است. نوآوری این پژوهش در ارائه تعریفی علمی از راهبرد مقاومت فعال و بیان مولفه‌های آن در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است. همچنین این پژوهش بیان می‌کند که برخلاف تصور رایج، جهت‌گیری سیاست خارجی جمهوری اسلامی در دوره کنونی نمی‌تواند عدم‌تعهد باشد، بلکه کنشگری جمهوری اسلامی در سال‌های اخیر نشان داده است که مقاومت فعال، تعریف صحیح‌تر و واقع‌بینانه‌تری از جهت‌گیری سیاست خارجی ایران به ما ارائه می‌کند.

۲. مبانی مفهومی و نظری

مقاومت: مقاومت دارای معانی گسترده‌ای در زبان فارسی است؛ استقامت، ایستادگی، تحمل، دفاع، جنگیدن و... از جمله معانی مقاومت هستند (افتخاری، ۱۳۹۹، ص. ۸۰). از مقاومت دو معنای سلبی و ایجابی برداشت می‌شود که معمولاً جنبه سلبی آن بر جنبه ایجابی‌اش غلبه داشته‌است. فهم حوزه مفهومی «مقاومت» نیازمند شناخت عناصر اصلی است که در پروژه مقاومت ایفای نقش می‌کنند. مقاومت از چهار عنصر تشکیل می‌شود که عبارتند از:

الف) عامل (اعمال‌کننده قدرت): منبع صادرکننده نیرو که دربردارنده ضرر یا آسیب برای بازیگر مقابل است.

ب) بازیگر هدف: یعنی عنصری که اعمال قدرت متوجه آن می‌شود.

ج) اقدام (هجوم، تهدید): رفتار هجومی که ازسوی عامل شکل گرفته و

مقاومت در برابر آن تعریف می‌شود.

د) محیط: گستره فضایی که اقدام در آن شکل گرفته و فعال می‌شود (افتخاری، ۱۳۹۹، ص. ۸۱).

مقاومت فعال: مقاومت فعال ذیل گفتمان مقاومت اسلامی تعریف می‌شود. مقاومت فعال؛ ایستادگی به همراه کنشگری در عرصه منطقه‌ای است. وقتی بازیگری برای ضربه زدن به بازیگر دیگر طراحی می‌کند، اگر بازیگر مدافع، عملکردی داشته باشد که طراحی بازیگر مهاجم با شکست مواجه شود و به اهداف از پیش تعیین شده خود دست نیابد، نوعی مقاومت فعال صورت گرفته است. در مقاومت فعال، ممکن است مهاجم، ضربه‌ها و آسیب‌هایی وارد کند اما این آسیب‌ها نمی‌تواند او را در برنامه خود موفق سازد. سیاست جمهوری اسلامی ایران در جنگ تحمیلی صدام و عبور از دوران فشار حداکثری ترامپ، نمونه‌های پیاده‌سازی راهبرد مقاومت فعال در سیاست خارجی است.

عدم تعهد: راهبرد عدم تعهد در سیاست خارجی برآمده از جنبش عدم تعهد در دوران جنگ سرد است. این رویکرد، وابستگی به بلوک شرق یا غرب را نفی می‌کند و از آن با عنوان «بی‌طرفی مثبت» نیز یاد می‌شود (قوام، ۱۳۹۷، ص. ۳۲۳). جنبش عدم تعهد، رویکردی انتقادی نسبت به وضع موجود در نظام بین‌الملل، پس از جنگ جهانی دوم بود. در واقع این جنبش ابتدا یک حرکت سیاسی ضدامپریالیستی و ضد تبعیض نژادی بود (قوام، ۱۳۹۴، ص. ۱۷۶). یکی از اصول عدم تعهد که در کنفرانس ۱۹۷۳ الجزایر به آن پرداخته شد، مبارزه با نژادپرستی، استعمار و امپریالیسم در تمامی اشکال آن بود (kharel, 2020, pp. 1-12). هسته قانونی این راهبرد، عدم وابستگی و اتحاد نظامی با قطب‌های قدرت جهانی است. عدم تعهد یک سیاست خارجی مستقل و خوداتکاء، بدون اتحاد و ائتلاف با قدرت‌های بزرگ است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۵، ص. ۲۱۳).

ما برای چارچوب نظری این پژوهش از نظریه گفتمان مقاومت و در قالب «نظریه گفتمان» بهره می‌گیریم. نظریه گفتمان ابتدا در حوزه زبان‌شناسی و به دلیل نارضایتی از نظریات کمی و اثبات‌گرایی در علوم اجتماعی پدید آمد. نظریه

گفتمان بر نقش زبان در بازنمایی و ایجاد واقعیت‌های اجتماعی متکی است (عقیلی & لطفی حقیقت، ۱۳۸۸، ص. ۱۲۸). در دهه ۱۹۶۰ میلادی نوع دیگری از نگرش به نظریه گفتمان توسط میشل فوکو، اندیشمند فرانسوی بنا نهاده شد که با رویکرد زبان‌شناسی به گفتمان متفاوت بود. در رویکرد فوکو، گفتمان نه تنها بزرگ‌تر از زبان است بلکه کل حوزه اجتماع را دربرمی‌گیرد و نظام‌های «حقیقت» را به سوژه‌ها و فاعل‌های اجتماعی تحمیل می‌کند (سلطانی، ۱۳۸۳، ص. ۱۵۳). نظریه گفتمان مقاومت، اسلام‌گرایی بر این فرض استوار است که گفتمان مدرنیزاسیون برخی نیروهای اجتماعی در جوامع اسلامی را به حاشیه رانده و سرکوب کرده‌است و همین نیروهای سرکوب‌شده و به حاشیه رانده‌شده با تولید دانش و معرفت معترض، به مقاومت در برابر هژمونی گفتمان غالب می‌پردازند (محمدی، ۱۳۹۲، ص. ۷۶). گفتمان‌ها عموماً در ضدیت و تفاوت با یکدیگر شکل می‌گیرند، هویت یک گفتمان در تعارض و ضدیت با دیگر گفتمان‌ها ممکن است و هویت هر گفتمانی منوط به غیریت با دیگر گفتمان‌هاست (ناظمی اردکانی & خالدیان، ۱۳۹۷، ص. ۶۷). پوستین‌چی و متقی (۱۳۹۰، ص. ۱۰۵) معتقدند زبان سیاسی مقاومت در کشورهایی ظهور پیدا می‌کند که از قابلیت فرهنگی خاصی بهره‌مند باشند. ایشان اندیشه مقاومت را واکنشی نسبت به فضای اجتماعی نابرابر و تهدیدهای خارجی می‌دانند که متوجه نیروهای اسلام‌گرا در غرب آسیا شده است.

جهت‌گیری سیاست خارجی کشورها عمدتاً تحت‌تاثیر مقولاتی همچون «قدرت ملی»، «ماهیت نخبگان سیاسی»، «سطح انگیزش ملی» و «رسالت منطقه‌ای و جهانی» سران نظام سیاسی قرار دارد (متقی، ۱۳۷۸، ص. ۱۷۸). عوامل متعددی مانند فرهنگ، تاریخ، مذهب و جغرافیا بر الگوها و جهت‌گیری‌های کشورها تاثیر می‌گذارد (Buzan & waever, 2009, p. 61). جهت‌گیری اساسی‌ترین نوع برون‌داد در سیاست خارجی کشورهاست که سیاست خارجی هر کشور بر اساس آن مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرد. هرچه قدرت کشورها محدودتر شود، جهت‌گیری سیاست خارجی آنها به میزان محدودتری با منافع ملی واقعی آنها

سازگاری دارد. پس از جنگ جهانی دوم، آمریکا همواره رویکردی تهاجمی در جهت گیری سیاست خارجی خود داشته است. فرید زکریا از اندیشمندان واقع گرایی تهاجمی معتقد است، هرگاه دولت‌ها به ثروت سرشاری دست پیدا کنند، شروع به ایجاد ارتش‌های بزرگ و تقویت حضور خود در خارج از مرزهای‌شان می‌کنند تا از این طریق قدرت و نفوذ خود را افزایش دهند (Zakaria, 1998, p. 3). دولت آمریکا مصداقی از رویکرد تهاجمی در سیاست خارجی است. در دوره جنگ سرد برخی کشورها که خود را در هیچ‌کدام از بلوک‌های قدرت تعریف نمی‌کردند، در صدد برآمدند تا اهداف ملی خود را بدون همکاری امنیتی با قدرت‌های بزرگ دنبال کنند لذا جهت‌گیری عدم‌تعهد را پایه‌گذاری کردند (Keethaponcalan, 2016, p. 4). هالستی از اندیشمندان روابط بین‌الملل، ساختار بین‌الملل را از عوامل اصلی موثر بر جهت‌گیری سیاست خارجی دولت‌ها می‌داند. او بیان می‌کند که در نظام دوقطبی جهت‌گیری دولت‌ها باتوجه به سلسله‌مراتب قدرت و نحوه قرار گرفتن دولت‌ها در نظام بین‌الملل تعیین می‌شود. در نتیجه در نظام دوقطبی یا چندقطبی، هرچه نظام سلسله‌مراتبی منسجم‌تر باشد، عرصه انتخاب یا آزادی عمل اعضا محدودتر خواهد بود (هالستی، ۱۳۸۸، ص. ۵۴۹). برداشتی که از بیان هالستی می‌توان داشت، این است که در شرایطی که نظام بین‌الملل در وضعیت گذار قرار دارد و هیچ قدرتی به‌تنهایی نمی‌تواند جایگاه هژمون نظام را به‌دست بیاورد، راهبرد عدم‌تعهد نمی‌تواند به‌عنوان جهت‌گیری سیاست خارجی دولت‌ها قرار بگیرد و دولت‌هایی که این جهت‌گیری را اتخاذ کرده‌اند، نیازمند بازنگری در راهبرد سیاست خارجی خود هستند زیرا راهبردها باید متناسب با زمان تعریف شوند و راهبرد تعریف‌شده در دوره جنگ سرد، کارایی لازم برای دوران گذار را ندارد.

۳. راهبرد عدم‌تعهد در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

دهقانی فیروزآبادی جهت‌گیری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را براساس ماهیت، هویت، اصول، منافع اهداف و تصور خود از نظام بین‌الملل، راهبرد «عدم‌تعهد» مبتنی بر اصل نه شرقی، نه غربی می‌داند. وی بیان می‌کند که

اصل ۱۵۲ قانون اساسی به صراحت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را برپایه عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر برشمرده است (دهقانی فیروزآبادی س.، ۱۳۹۶، ص. ۱۷۱). این راهبرد از دیدگاه اندیشمندان مختلف به‌عنوان جهت‌گیری کلان سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در راستای اهداف ایدئولوژیک آن و اصلی‌ترین وسیله برای انتقال پیام انقلاب اسلامی و گفتمان ضدامپریالیستی در فضای سیاست خارجی جهان‌سوم‌گرایانه و مبتنی بر روابط جنوب - جنوب معرفی شده است. البته برخی دیگر نیز آن را سیاستی عمل‌گرا براساس نوعی منطقه‌گرایی در چارچوب هدف بلندمدت ایران برای تبدیل شدن به قدرت برتر منطقه‌ای ارزیابی کرده‌اند (Zaccara, 2018, p. 562). نگارندگان بر این باور هستند که جهت‌گیری سیاست خارجی جمهوری اسلامی در دهه چهارم انقلاب اسلامی تنها محدود در جهت‌گیری عدم تعهد نیست. بلکه جهت‌گیری سیاست خارجی از عدم تعهد یا بی‌طرفی مثبت به سمت مقاومت فعال حرکت کرده است زیرا راهبرد مقاومت فعال، مولفه‌هایی را شامل می‌شود که آن مولفه‌ها در جهت‌گیری عدم تعهد قابل تبیین نیستند. جهت‌گیری مقاومت فعال برآمده از نظریه مقاومت اسلامی است که با توجه به شرایط منطقه‌ای و داخلی جمهوری اسلامی ایران، تبدیل به مدلی بومی شده است.

جدول ۱. مولفه‌های تمایز راهبرد عدم تعهد و راهبرد مقاومت فعال (منبع: نویسندگان)

راهبرد عدم تعهد	راهبرد مقاومت فعال
دولت محور	دولت محور - ملت محور
پذیرش نظم موجود در نظام بین‌الملل	رویکردی انتقادی نسبت به نظام بین‌الملل
پذیرش پارادایم غالب در نظام بین‌الملل	تلاش برای تغییر پارادایم غالب در نظام بین‌الملل

۴. راهبرد مقاومت فعال

مقاومت در برابر سلطه و سلطه‌گری قرار می‌گیرد. نظریه مقاومت به‌عنوان یک نظریه‌ریایی‌بخش در برابر پارادایم سلطه در نظام بین‌الملل و البته مبتنی بر روایت و قرائت انقلاب اسلامی از اسلام و نظام بین‌الملل است (قادری کنگاوری، ۱۳۹۲، ص. ۲۳۰). این نظریه در کنار نظریاتی همچون موازنه تهدید قرار می‌گیرد که

رویکردی صرفاً رئالیستی را دنبال می‌کند. نظریه موازنه تهدید بیان می‌کند که کشورها ابتدا به ساکن برای افزایش قدرت خود تلاش نمی‌کنند، بلکه زمانی که احساس تهدید کنند، سعی می‌کنند در برابر آن قدرت خود را افزایش دهند و ایجاد توازن کنند (عباسی، حبیبی، & پارسا، ۱۳۹۲، ص. ۱۲۰). نظریه مقاومت نیز از آن جهت که متأثر از رفتار دیگر بازیگران است، می‌توان به‌عنوان نظریه‌ای پسینی از آن یاد کرد.

مقاومت فعال در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران دارای مولفه‌هایی است که آن را از رویکرد عدم‌تعهد متمایز می‌سازد، هرچند این رویکرد وجه اشتراک‌هایی نیز با عدم‌تعهد داراست. عدم‌تعهد ترجمه نوین‌تری از موازنه منفی و رویکردی انفعالی است. راهبرد عدم‌تعهد به‌خاطر خصلت پذیرش وضع موجود، در دولت ایدئولوژیک امکان‌پذیر نیست (محمدی سیرت، ۱۴۰۰). برخی صاحب‌نظران معتقدند که در سیاست خارجی همه کشورها اصل بر مقاومت است؛ از نظر آنان، مقاومت را می‌توان در معنای عام آن یعنی پافشاری و ایستادگی بر سر منافع ملی و اصول تعریف کرد (خانی، ۱۳۹۹). مقاومت در این دیدگاه به معنای تاب‌آوری است و حتی کشورهای غربی مانند آمریکا نیز بر سر وصول به منافع ملی خود ایستادگی می‌کنند. دیدگاه دیگری در این زمینه وجود دارد؛ در این رویکرد جهت‌گیری عدم‌تعهد را زاییده دوران جنگ سرد و دنیای دوقطبی می‌دانند، این دسته از صاحب‌نظران معتقدند اکنون ساختار ژئوپلیتیک، ژئواکونومی و ژئوکالچر جهان، تغییراتی عمیق و به‌شدت سیالی را تجربه می‌کنند، ایشان معتقدند شعار «نه شرقی، نه غربی» که بیانگر رویکرد «ضدسلطه» جمهوری اسلامی است، نباید در فراز و فرودهای «مقاومت فعال» در جهان چندقطبی آینده کمرنگ شود (دولتیار، ۱۳۹۹). دیدگاه این دسته از صاحب‌نظران این است که مقاومت فعال باید رویکردی متناسب با شرایط جهانی باشد و نه صرفاً رویکردی ضدغربی زیرا در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، وابستگی به غرب و شرق نفی شده است، اما در شرایط کنونی که دشمنی غرب آشکارتر است باید مراقب بود که مقاومت فعال باعث سنگین‌شدن کفه به نفع شرق نباشد. می‌توان گفت مقاومت،

پاسخی است درمقابل زیاده‌خواهی طرف مقابل، لذا حالت تدافعی در مفهوم مقاومت وجود دارد منتها تدافعی مثبت و فعال زیرا یک کشور زمانی از راهبرد مقاومت استفاده می‌کند که در اقلیت است و نیاز دارد برای بقای آرمان‌های خود در برابر یک رویکرد اکثریتی ایستادگی کند. در این بخش به بیان مولفه‌های راهبرد مقاومت فعال و جایگاه آن در سیاست خارجی ایران می‌پردازیم:

۵. مولفه‌های راهبرد مقاومت فعال

۵-۱. ملت‌محوری در کنار دولت‌محوری

عموما جهت‌گیری‌های سیاست خارجی کشورها، رویکردی دولت‌محور دارد. در رویکردهای مسلط یعنی رئالیسم و لیبرالیسم، دولت بازیگر اصلی در سیاست خارجی است. در رویکرد غالب، برخی دولت‌های غربی همچون آمریکا و انگلیس بر این باور بودند که منافع ملی کشورشان کاملاً منطبق با منافع جهانی است (Carr, 2016, p. 78). برخی رویکرد انتقادی را به‌عنوان یک مکتب منسجم رد می‌کنند و آن را متکثر می‌دانند (Cox, 2002, p. 45). اما در رویکردهای مختلف انتقادی نیز عمده‌ها دولت را به‌عنوان بازیگر اصلی قلمداد می‌کنند. اما در مدل مقاومت فعال، علاوه بر دولت‌محوری، بازیگران فرادولتی نیز نقش مهمی ایفا می‌کنند. به‌عنوان مثال: جمهوری اسلامی ایران در راهبرد سیاست خارجی منطقه‌ای خود، نه تنها با بازیگران دولتی همچون سوریه و عراق همکاری دارد، بلکه بخش عمده همکاری‌ها با بازیگران غیردولتی همچون حزب‌الله لبنان و گروه‌های مقاومت عراقی است.

نظریه مقاومت فعال علاوه بر ابعاد حاکمیتی، دارای ابعاد اجتماعی نیز هست. عمده نظریات سیاست خارجی تاکید اصلی خود را بر ابعاد حاکمیتی قرار می‌دهند اما نظریه مقاومت فعال در پیوندی میان حاکمیت‌ها و ملت‌هاست (گنجی، ۱۴۰۰). حضور مستشاری جمهوری اسلامی ایران در عراق و سوریه نمونه‌ای از حضور یک نیروی رسمی دولتی در کنار گروه‌های مقاومت مردمی است برخلاف حضور آمریکا در عراق و سوریه که عملاً در برابر نیروهای مردمی بود. پس ملت‌محور بودن را می‌توان از مشخصه‌های مقاومت فعال در نظر گرفت.

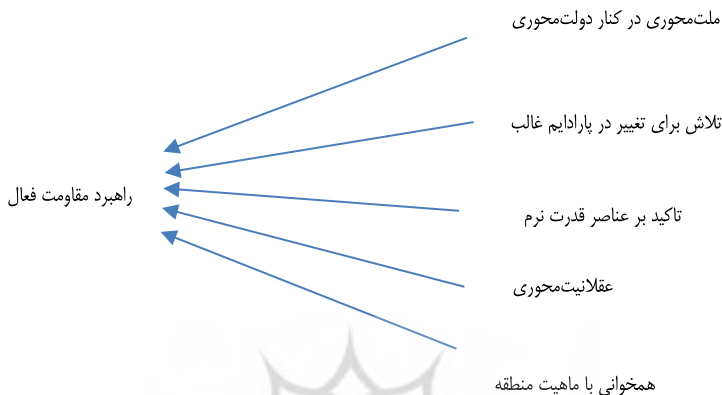
۵-۲. تلاش برای تغییر در پارادایم غالب

پارادایم و نظم غالب در نظام بین‌الملل پس از جنگ جهانی دوم متأثر از دو قطب شرق و غرب بود. با فروپاشی شوروی و پایان جنگ سرد، نظم جهانی مسیر تحول به سمت نظم جایگزین را طی می‌کند. به عقیده برخی، نظم جایگزین هنوز شکل نگرفته و جهان در دوران گذار است. یکی از سناریوهای جایگزین نظم جهانی، منطقه‌گرایی نوین است که طبق آن دیدگاه، جهان به چند مجموعه امنیتی تقسیم می‌شود که مناسبات و معادلات را حل و فصل می‌کنند (افتخاری، ۱۳۸۲، ص. ۲۸۱). با این حال، اغلب جهت‌گیری‌های سیاست خارجی ضمن پذیرش وضعیت موجود، تلاش می‌کنند منافع خود را در نظام موجود به‌دست آورند، یعنی تلاشی برای دستیابی به نظم جدید ندارند. در راهبرد مقاومت فعال، دستیابی به منافع ملی در تلاش برای تغییر پارادایم غالب است، زیرا رابطه کسب منافع ملی و پارادایم غالب، رابطه‌ای تناقضی است. یعنی پذیرش پارادایم غالب به معنای دست‌کشیدن از اهداف و ارزش‌های ملی قلمداد می‌شود، لذا حفظ ارزش‌ها جز با تغییر پارادایم غالب منطقه‌ای به‌دست نمی‌آید یا به صورت محدود به دست می‌آید.

۵-۳. تاکید بر عناصر قدرت نرم

راهبرد مقاومت فعال تنها با استفاده از عناصر سخت قدرت به تامین منافع ملی نمی‌پردازد، زیرا استفاده از قدرت سخت، هزینه‌های بالایی را در پی خواهد داشت و لزوماً موجب دفع کامل خطر نخواهد شد. راهبرد مقاومت فعال با استفاده از اندیشه صدور انقلاب، به‌دنبال ایجاد جبهه مقاومت در برابر جبهه آمریکایی است. یکی از سطوح ایجاد قدرت نرم، قدرت نرمی است که از درون شبکه ولایی پدید می‌آید (افتخاری & جانی پور، ۱۳۹۲، ص. ۲۷). در این رویکرد، استفاده از قدرت نرم صرفاً در معنای مادی آن مورد نظر نیست، بلکه عناصر قدرت نرم برآمده از مولفه‌های ایمانی همچون شهادت، عاشورا، جهاد و ... هستند. متعاقب مفهوم قدرت نرم، شاهد تولید مفاهیم مرتبطی همچون جنگ نرم هستیم. باید توجه داشت که به دلیل تفاوت مبانی نظری قدرت، مدلول و کاربست این مفاهیم در گفتمان اسلامی متفاوت از کاربردهای متعارف و عرفی آن در ادبیات سیاسی است

(افتخاری، ۱۳۹۱، ص. ۴). به همین خاطر در راهبرد مقاومت فعال منظور از عناصر قدرت نرم، عواملی همچون فریب رسانه‌ای، جنگ روانی و غیره نیستند. بلکه تاکید بر مولفه‌های ارزشی موجود در ادبیات و گفتمان مقاومت هستند.



شکل ۱. مولفه‌های راهبرد مقاومت فعال (منبع: نویسندگان)

۵-۴. مقاومت فعال بر محور عقلانیت

برخی رویکرد مقاومت را صرفاً در مقاومت نظامی و سخت تعریف می‌کنند. در صورتی که مقاومت فعال، یک سیاست و راهبرد جامع است. به این معنا که مفهوم مقاومت فعال، ترکیبی است از جنگ، مذاکره، صلح و... (محمدی سیرت، ۱۴۰۰). به یک معنا می‌توان گفت مفهوم مقاومت فعال، مفهومی عاقلانه و مثبت است. مفهوم مقاومت در جامعه ایران، مفهومی منفی معرفی شده است که در آن، مذاکره نیست، تعامل نیست. در صورتی که در رفتار جمهوری اسلامی این گونه نبوده است. یعنی در عین جنگ و مذاکره تلاش شده تا خطوط قرمز حفظ شوند و روی اصول، پافشاری شده است. عملکرد جمهوری اسلامی ایران در بحران افغانستان در سال ۱۳۸۰ نمونه‌ای از رویکرد مقاومت فعال بود، در این بحران، جمهوری اسلامی در وضعیتی پارادوکسیکال و معماگونه قرار گرفته بود. در یک طرف، طالبان قرار داشت که حکومت طرفدار ایران در افغانستان را سرنگون ساخته بود و مهم‌تر از آن، با به شهادت رساندن دیپلمات‌های ایرانی، افکار عمومی در داخل را جریحه‌دار ساخته

بود. در طرف دیگر، آمریکا به عنوان مهم‌ترین تهدید امنیتی علیه جمهوری اسلامی ایران قرار داشت که تسلط و حضور نظامی آن در مرزهای شرقی کشور، تهدیدی جدی علیه امنیت ملی کشور محسوب می‌شد (دهقانی فیروزآبادی س.، ۱۳۹۶، ص. ۴۸۶). عملکرد هوشمندانه جمهوری اسلامی ایران در بحران افغانستان باعث شد تا نه تنها ایران در باتلاق جنگ افغانستان گرفتار نشود، بلکه ایران در تشکیل دولت انتقالی افغانستان، مشارکتی فعال و حتی در بازسازی این کشور نیز حضور داشت. عقلانیت جمهوری اسلامی ایران در مسئله حمله آمریکا به عراق نیز نمایان بود. در آن دوره، بسیاری تلاش داشتند تا ایران در واکنش به حمله آمریکا به صدام واکنش نشان دهد. اما جمهوری اسلامی تلاش‌های خود را نه برای حفاظت از صدام، بلکه برای حمایت از نیروها و حرکت‌های مردمی مقاومت در عراق معطوف کرد (گوهری مقدم، ۱۴۰۰).

پس به‌طور کلی می‌توان گفت که مقاومت فعال تنها در اقدامات نظامی همچون حضور مستشاری در سوریه تعریف نمی‌شود، بلکه در یک نمای کلی‌تر، مقاومت فعال را می‌توان مجموعه‌ای از زیرراهبردها تعریف کرد که نتیجه همه آنها حفظ منافع ملی می‌شود. در عموم جامعه ممکن است مقاومت فعال معنایی سلبی، داشته باشد، در صورتی که تجربه چهار دهه گذشته نشان داده است که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، هم درگیری و هم مذاکره و نرمش را شامل بوده است. در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، نرمش قهرمانانه را می‌توان بخشی از راهبرد مقاومت فعال تعریف کرد. ایشان در تعریف نرمش قهرمانانه بیان می‌کنند که:

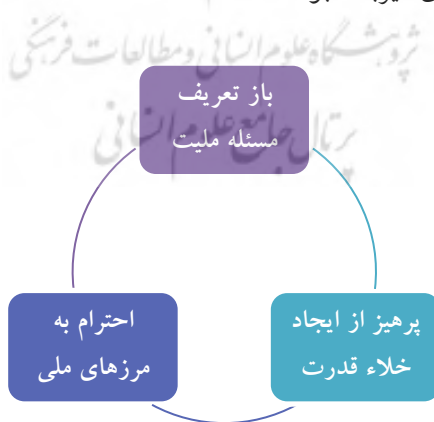
«نرمش قهرمانانه برخلاف برخی تفاسیر، معنای واضحی دارد که نمونه‌ی آن در مسابقه‌ی کشتی نمایان است در این مسابقه که هدف آن شکست دادن حریف است اگر کسی قدرت داشته باشد اما انعطاف لازم را در جای خود به کار نگیرد قطعاً شکست می‌خورد اما اگر انعطاف و قدرت را به‌موقع مورداستفاده قرار دهد پشت حریف را به خاک می‌نشانند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۳).

در این میان، مسلماً عقلانیت یکی از مهم‌ترین مولفه‌های راهبرد مقاومت فعال است. جمهوری اسلامی ایران در عرصه بین‌المللی به‌عنوان بازیگری عقلانی

شناخته شده به گونه‌ای که حتی در برخی موارد نیز ازسوی سایر کشورها به محاسبه‌گری و منفعت‌طلبی متهم شده است. نقش عقلانیت در جریان‌های مقاومت آنقدر پررنگ است که اغلب جریان‌های مقاومت فاقدعقلانیت، عمری کوتاه‌مدت داشته‌اند. اگر القاعده و داعش را کپی غیرعقلانه از مفهوم مقاومت بدانیم، شاهد هستیم که به دلیل عملکرد غیرعقلانی‌شان نتوانستند اثرگذاری خود را برای مدت زیادی حفظ کنند و خیلی زود خود را ازبین برده‌اند. تاریخ صدراسلام نیز این موضوع را تایید می‌کند، به‌عنوان مثال خوارج نوعی جریان مقاومت بودند اما به دلیل فقد مبنای عقلانی به سرعت حیات سیاسی‌شان ازبین رفت. در ادامه به بیان برخی از شاخصه‌های عقلانیت در راهبرد مقاومت فعال می‌پردازیم:

۱-۳-۵. بازتعریف مسئله ملیت: مقاومت در جمهوری اسلامی نسبت معناداری با مفهوم ملیت پیدا کرده است. هم‌نشینی مفهوم ملیت و مقاومت یکی از ابداعات جمهوری اسلامی ایران است. مفهوم مقاومت، قرائت شیعی و رنگ و بوی دینی دارد.

۲-۳-۵. پرهیز از ایجاد خلأ قدرت: آمریکایی‌ها وقتی در منطقه‌ای وارد می‌شوند و به هدف مطلوب خود دست پیدا نمی‌کنند، ایجاد خلأ قدرت می‌کنند. اما سیاست جمهوری اسلامی و راهبرد مقاومت فعال هیچ‌گاه به دنبال ایجاد خلأ قدرت در سرزمین‌های میزبان نبوده است.



شکل ۲. مولفه‌های عقلانیت در راهبرد مقاومت فعال (منبع: نویسندگان)

۵-۴-۳. **احترام به مرزهای ملی:** در سوریه، عراق و افغانستان، احترام به مرزهای ملی همواره یکی از اصول جمهوری اسلامی ایران بوده است. در صورتی که در جریان‌های مقاومت قرن ۲۰ بعضاً این‌گونه نبوده است. به‌عنوان مثال اتحاد جماهیر شوروی با شعار مقاومت در برابر امپریالیسم، قدرت را در اروپای شرقی و آسیای مرکزی به‌دست‌گرفت اما رفتار این کشور با جمهوری‌های تحت‌فرمانش لزوماً همراه با احترام نبوده است.

۵-۵. همخوانی با ماهیت منطقه

یکی از ویژگی‌های مهم راهبرد مقاومت فعال در جمهوری اسلامی ایران، همخوانی آن با ماهیت منطقه است. ماهیت منطقه غرب آسیا از ۱۵۰ سال پیش، مقاومتی است. در واقع مفهوم مقاومت در یکصد سال گذشته با ماهیت جهان اسلام آمیخته شده است زیرا ملت‌های مسلمان در جهان اسلام در تاریخ معاصر همواره از طرف غرب مورد تعرض قرار گرفته‌اند و اولویت آنها ایستادگی کردن در برابر زیاده‌خواهی غربی‌ها بوده است. انقلاب‌هایی که در قرن ۲۰ در جهان اسلام رخ داد، جریان مقاومتی که حول مسئله فلسطین شکل گرفت و محور مقاومتی که در سال‌های اخیر در عراق و سوریه و یمن شکل گرفته است، نشانگر اصالت داشتن مفهوم مقاومت در منطقه است. ذات سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با ماهیت امروزی جهان اسلام همخوانی دارد. زیرا انقلاب اسلامی خود پاسخی مقاومت‌گونه به سیاست‌های توسعه‌طلبانه آمریکا در منطقه بوده و پس از آن نیز همواره به‌دنبال نفی سلطه بیگانگان در منطقه بوده است.

۶. جایگاه راهبرد مقاومت فعال در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

راهبرد مقاومت، اصلی‌ترین نماد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بوده و هست. این راهبرد به‌ویژه در سیاست خارجی منطقه‌ای ایران کاملاً مشهود است. در این میان، تاکید قانون اساسی بر حمایت از مظلومان و توجه رهبران انقلاب بر مفهوم مقاومت بیانگر جایگاه مقاومت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است. از سوی دیگر مفاهیمی همچون جهان اسلام، مستضعفین، استکبارستیزی،

حمایت از مظلوم، نفی سلطه و... که در قانون اساسی و اندیشه رهبران انقلاب اسلامی پررنگ هستند، می‌توانند مقوم مفهوم مقاومت فعال باشند.

در این شرایط، همان‌گونه که از مفهوم راهبرد مقاومت فعال برمی‌آید، یک راهبرد علاوه بر جنبه‌های نظری باید دربرگیرنده جنبه‌های عملی نیز باشد. راهبرد مقاومت فعال نیز دارای عناصر چهارگانه مقاومت است که در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نیز قابل تطبیق است.

الف) عوامل کنشگر در راهبرد مقاومت فعال در جمهوری اسلامی شامل تمام نهادها و ارگان‌های دولتی و انقلابی می‌باشد که حوزه مأموریت آنها سیاست خارجی است. این نهادها شامل نهادهای نظامی و امنیتی (سپاه قدس)، نهادهای فرهنگی (سازمان فرهنگ و ارتباطات) و نهادهای اقتصادی و دولتی است.

ب) بازیگر هدف: بازیگران هدف جمهوری اسلامی در مقاومت فعال، در مرحله اول آمریکا و رژیم صهیونیستی هستند. گروه‌های تروریستی و برخی دولت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای حامی تروریسم، در مرحله دوم قرار می‌گیرند. اما کماکان آمریکا و رژیم صهیونیستی، اصلی‌ترین بازیگران هدف جمهوری اسلامی ایران در مقاومت فعال هستند.

ج) اقدامات: اقدامات جمهوری اسلامی در مواجهه با محور آمریکایی - صهیونیستی، شامل تقویت توان دفاعی، کمک به تجهیز دیگر بازیگران در محور مقاومت، تلاش برای ایجاد بازدارندگی درمقابل اقدامات خرابکارانه محور آمریکایی و همچنین تلاش برای تقویت مولفه‌های قدرت جمهوری اسلامی از جمله تقویت قدرت اقتصادی است.

د) محیط: محیط اقدام جمهوری اسلامی علیه محور آمریکایی-صهیونیستی، منطقه خاورمیانه است. محیط اقدام جمهوری اسلامی برای پیاده‌سازی راهبرد مقاومت فعال شامل منطقه عراق و سوریه، لبنان و فلسطین، یمن و همچنین خلیج فارس است. لازم به ذکر است که انتخاب محیط، عموماً برآمده از حوزه تهدید است. لذا در صورت افزایش یا کاهش تهدید، محیط اقدام متغیر است.

۷. فرصت‌ها، چالش‌ها و بایسته‌های راهبرد مقاومت فعال

راهبرد مقاومت فعال همانند هر راهبرد دیگری در سیاست خارجی، با فرصت‌ها و چالش‌هایی مواجه است. این فرصت‌ها و چالش‌ها می‌توانند از درون یا از بیرون باشند. در این میان، مهم‌ترین فرصت عملیاتی‌سازی راهبرد مقاومت فعال، فراوری ارزش‌های کلان انقلاب اسلامی است. به این معنا که راهبرد مقاومت فعال، این فرصت را می‌دهد تا جمهوری اسلامی ایران بتواند ارزش‌های خود را فراوری کرده و از صدور خام ارزش‌ها جلوگیری کند. فراوری ارزش‌ها به معنای ارائه راهکارهای عملیاتی و مصداقی برای مسائل روز در سیاست خارجی با استفاده از منابع دست اول است. صحبت از ارزش‌های عام باید تبدیل به مدل‌های کاربردی در سیاست خارجی شوند. یکی دیگر از فرصت‌ها، استفاده از ناکامی ادبیات مقاومت در گفتمان چپ در نظام بین‌الملل است که راهبرد مقاومت فعال می‌تواند به عنوان الگویی در مقابل پارادایم غالب معرفی شود. این مساله به‌ویژه پس از ظهور و سقوط داعش که زمینه تضعیف مفهوم مقاومت سلفی در جهان اسلام شد، می‌تواند بروز یابد و راهبرد مقاومت فعال می‌تواند نظریه مقاومت را به عنوان یک نظریه قابل پیاده‌سازی معرفی کند.

با این وجود، اتخاذ راهبرد مقاومت فعال در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، با چالش‌هایی نیز مواجه است که عمدتاً مربوط به حوزه تصمیم‌گیری هستند. به این معنا که اشتباه در تصمیم‌گیری می‌تواند باعث تضعیف یا ناکامی یک راهبرد در اجرا شود. در این میان، عمده‌ترین چالش‌های پیش‌روی راهبرد مقاومت فعال را می‌توان در مسائلی مانند محدود شدن مقاومت فعال در حوزه نظامی-امنیتی، رفتارهای غیرعقلانی در سیاست خارجی، عدم مراجعه به نخبگان در اتخاذ راهبرد، نادیده گرفتن حوزه فرهنگ و قدرت نرم جستجو کرد.

بر این اساس، با توجه به اینکه ادبیات راهبرد مقاومت فعال همواره در پی یک بحران و تهدید علیه امنیت و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران پررنگ‌تر شده است لذا نمادهای مقاومت فعال همچون نیروی قدس سپاه به نماد مدیریت بحران‌های منطقه‌ای در سیاست خارجی ایران تبدیل شده‌اند. این در حالی است

که تعریف مقاومت فعال به‌عنوان راهبرد و جهت‌گیری کلان سیاست خارجی ایران، مستلزم یک بازتعریف اساسی از بازیگران، اقدامات و محیط اقدام سیاست خارجی است. در این شرایط، ابزارهای دست‌یابی به منافع ملی را نباید صرفاً در وضعیت منفعل تعریف کرد. به‌عنوان مثال، بخشی از راهبرد مقاومت فعال را می‌توان در حوزه نظری فرهنگی و دیپلماسی عمومی در داخل و خارج از کشور عملیاتی کرد. ازسوی دیگر، باتوجه به اهمیت همراهی افکار عمومی داخلی با راهبرد مقاومت فعال، برخی عرصه‌های ملی به‌ویژه در حوزه توسعه و رفاه اجتماعی نیز باید با راهبرد مقاومت فعال و در قالب مقاومت اقتصادی پیگیری شود. در این زمینه، مسلماً تعاملات اقتصادی به‌شدت منافع ملی را تامین می‌کند لذا پیوست و فراهم‌آوردن تعاملات اقتصادی با سیاست خارجی یکی از ضرورت‌های موفقیت راهبرد مقاومت فعال است. مقاومت فعال در حوزه اقتصاد همان چیزی است که آیت‌الله خامنه‌ای از آن تحت‌عنوان اقتصاد مقاومتی نام می‌برند. در اقتصاد مقاومتی، تلاش برای به‌دست‌گرفتن تولید و فاصله‌گرفتن از وابستگی اقتصادی هم‌زمان با پیشبرد دیپلماسی اقتصادی و همگرایی منطقه‌ای و جهانی است با این تفاوت که «اقتصاد مقاومتی، یعنی اقتصادی که از درون می‌جوشد و احتیاج ما را به دیگران کم می‌کند و استحکام کشور را درمقابل تکانه‌های خارجی افزایش می‌دهد؛ این معنای اقتصاد مقاومتی است» (خامنه‌ای، بیانات مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در دیدار مردم اصفهان، ۱۳۹۵). پس توجه به اقتصاد با تمرکز بر اقتصاد بومی درعین‌توجه به افزایش تعاملات اقتصادی با سایر دولت‌ها در راستای ارتقای توسعه اقتصادی و اجتماعی در کشور می‌تواند در نتیجه‌بخشی بیشتر راهبرد مقاومت فعال، موثر واقع شود.

باتوجه به آنچه گفته شد، جهت‌گیری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در طلیعه گام دوم انقلاب اسلامی را می‌توان خوانش جدید و متفاوتی از راهبرد عدم‌تعهد دانست که فرصت‌ها و چالش‌های جدیدی را فراروی انقلاب اسلامی قرار داده است. این راهبرد که در این پژوهش با عنوان راهبرد مقاومت

فعال تبیین شد، عملاً رویکردی بومی و به‌روزشده از راهبرد عدم‌تعهد به حساب می‌آید. با این وجود، اگرچه این راهبرد برخی مولفه‌های راهبرد عدم‌تعهد را داراست اما به‌دلیل دارا بودن مولفه‌های جدید و منحصربه‌فرد، از راهبرد عدم‌تعهد متمایز است. مولفه‌هایی مانند ملت‌محوری در کنار دولت‌محوری، تلاش برای تغییر در پارادایم غالب، تاکید بر عناصر قدرت نرم و به‌ویژه عقلانیت‌محوری و زمینه‌مندی و توجه به ساخت‌های فرهنگی و هویتی موجود در منطقه غرب آسیا. این راهبرد می‌تواند شرایط مناسبی برای تامین منافع ملی جمهوری اسلامی ایران ایجاد کند و علاوه بر آن زیست‌مسالمت‌آمیز مبتنی بر اصول عزت، حکمت و مصلحت را در روابط خارجی کشور فراهم آورد.

نتیجه‌گیری

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، بسیاری از پژوهشگران حوزه سیاست خارجی، راهبرد اصلی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را عدم‌تعهد دانسته‌اند. این جهت‌گیری متأثر از فضای دوقطبی جنگ سرد اتخاذ شده بود لذا پس از پایان جنگ سرد، برخی از آنان، اتخاذ راهبرد عدم‌تعهد را بلاموضوع دانستند. با این وجود، راهبرد عدم‌تعهد با این استدلال که معنای آن، عدم‌سلطه درمقابل هر قدرتی در شرق یا غرب است، ادامه یافت. در این پژوهش بیان شده که راهبرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران باید متناسب با نظم بین‌الملل و جایگاه ایران در نظام بین‌الملل باشد. جهت‌گیری سیاست خارجی امری ثابت و غیرقابل‌تغییر نیست بلکه بنا بر شرایط هر دوره تغییر می‌کند. جهت‌گیری سیاست خارجی متأثر از قدرت ملی و توان تاثیرگذاری دولت‌ها در نظام بین‌الملل است. شرایط جمهوری اسلامی ایران از چهار دهه گذشته تا امروز بسیار متفاوت بوده و لذا باید با توجه به جایگاه امروز، راهبرد سیاست خارجی تعیین شود.

در دهه گذشته جمهوری اسلامی ایران نقشی فعال در مناسبات منطقه‌ای داشته است. کنشگری ایران در منطقه عمدتاً در پاسخ به تهاجم و سیاستی پسینی بوده و ماهیتی مقاومتی داشته است. از آنجا که ارزش‌های اسلامی پشتوانه نظری مقاومت در برابر سلطه بوده‌اند، لذا مقاومت جمهوری اسلامی ایران مقاومتی

شریعتمدار بوده است. مقاومت از چهار عنصر تشکیل شده است که این چهار عنصر در کنشگری جمهوری اسلامی ایران نیز نمایان بوده است؛ اول، عامل مقاومت‌کننده، که متشکل از تمام نهادهای درگیر در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است. دوم، بازیگر هدف که محور آمریکایی - صهیونیستی است. سوم، نوع اقدام که عبارت است از افزایش توان داخلی در حوزه‌های گوناگون و همچنین افزایش نفوذ منطقه‌ای و چهارم، محیط اقدام است، محیط اقدام جمهوری اسلامی ایران منطقه غرب آسیا و خاورمیانه است.

بر این اساس، راهبرد مقاومت فعال در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران دارای مولفه‌هایی است که آن را از راهبرد عدم‌تعهد متفاوت می‌کند. از جمله دولت - ملت محور بودن به جای دولت‌محور بودن، تاکید بر عناصر قدرت نرم، تلاش برای تغییر پارادایم غالب در نظام بین‌الملل، همخوانی با ماهیت اسلامی منطقه غرب آسیا و عقلانیت‌محور بودن. عقلانیت موجود در مقاومت فعال آن را از سایر اندیشه‌های مقاومتی متمایز می‌سازد. زیرا اگر مقاومت با عقلانیت همراه نباشد همچون برخی جریان‌های منطقه‌ای که به رویکرد مقاومت منهای عقلانیت عمل کردند، خیلی سریع از بین خواهد رفت. عقلانیت مقاومت فعال باعث شده است تا جهت‌گیری مقاومت فعال نه تنها در مقاومت نظامی خلاصه نشود، بلکه حتی تعامل، تفاهم و مذاکره نیز در مواردی می‌تواند به پیشبرد اهداف این جهت‌گیری کمک کند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

منابع و مأخذ

- افتخاری، ا. (۱۳۸۲). منطقه‌گرایی نوین و امنیت جمهوری اسلامی ایران. راهبرد، ۲۷۹-۲۹۰.
- افتخاری، ا. (۱۳۹۱). مفهوم و جایگاه جنگ نرم در گفتمان انقلاب اسلامی براساس اصول قرآن کریم. *پژوهشنامه انقلاب اسلامی*، ۱-۲۷.
- افتخاری، ا. (۱۳۹۹). *مقاومت در اسلام*. تهران: موسسه اندیشه‌سازان نور.
- افتخاری، ا.، & جانی‌پور، م. (۱۳۹۲). منابع قدرت نرم انقلاب اسلامی، مطالعه موردی: تحلیل وصیت‌نامه شهدای دانشگاه امام صادق علیه‌السلام. *پژوهشنامه انقلاب اسلامی*، ۲۳-۴۶.
- پوستین‌چی، ز.، & متقی، ا. (۱۳۹۰). زبان سیاسی مقاومت اسلامی در سیاست بین‌الملل. *پژوهش‌های روابط بین‌الملل*، ۹۷-۱۲۹.
- خامنه‌ای، س. (۱۳۹۳، ۰۵، ۲۲). *بیانات مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی)*. بازیابی از www.khamenei.ir: Khamenei.ir
- خامنه‌ای، س. (۱۳۹۵، ۰۸، ۲۶). *بیانات مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در دیدار مردم اصفهان*. بازیابی از www.khamenei.ir: Khamenei.ir
- خانی، م. (۱۳۹۹). (ر. انصاری بارده، مصاحبه‌کننده) دولتیاری، م. (۱۳۹۹). (ر. انصاری بارده، مصاحبه‌کننده) دهقانی فیروزآبادی، س. (۱۳۹۵). *اصول و مبانی روابط بین‌الملل (۲)*. تهران: سمت.
- دهقانی فیروزآبادی، س. (۱۳۹۶). *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: سمت.
- سعیدی، ر.، & مشیرزاده، ح. (۱۳۹۶). *تکثرگرایی در روابط بین‌الملل و امکان ارائه نظریه‌های غیرغربی. رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی*، ۹۰-۱۱۶.
- سلطانی، س. (۱۳۸۳). *تحلیل گفتمان به مثابه نظریه و روش. علوم سیاسی-دانشگاه باقرالعلوم (ع)*، ۱۵۳-۱۸۰.
- سیدامامی، ک. (۱۳۸۸). *پژوهش در علوم سیاسی: رویکردهای اثبات‌گرا، تفسیری و انتقادی*. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- عباسی، م.، حبیبی، س.، & پارسا، س. (۱۳۹۲). *نظریه موازنه تهدید: دلایل ساختاری*

- شکل‌گیری و گسترش اسلام سیاسی و مقاومت اسلامی در خاورمیانه. *رهیافت انقلاب اسلامی*، ۱۱۵-۱۳۶.
- عقیلی، س.، & لطفی حقیقت، ا. (۱۳۸۸). *دیرینه‌شناسی دانش و گفتمان در آمدی بر نظریه گفتمان فوکو. جامعه‌شناسی معاصر*، ۱۲۷-۱۵۴.
- قادری کنگاوری، ر. (۱۳۹۱). *نظریه مقاومت و نظریه‌های غربی روابط بین‌الملل*. تهران: مخاطب.
- قادری کنگاوری، ر. (۱۳۹۲). *نظریه مقاومت در روابط بین‌الملل؛ رویکرد ایرانی - اسلامی نفی سبیل و برخورد با نظام سلطه. سیاست دفاعی*، ۱۹۱-۲۴۸.
- قوام، س. (۱۳۹۴). *اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل*. تهران: سمت.
- قوام، س. (۱۳۹۷). *روابط بین‌الملل: نظریه‌ها و رویکردها*. تهران: سمت.
- گنجی، ع. (۱۴۰۰). (ر. انصاری بارده، مصاحبه‌کننده)
- گوهری مقدم، ا. (۱۴۰۰). (ر. انصاری بارده، مصاحبه‌کننده)
- متقی، ا. (۱۳۷۸). *جهت‌گیری سیاست خارجی و نقش ملی ایران از کودتا تا انقلاب اسلامی ایران ۱۳۳۲-۱۳۵۷. نامه مفید*، ۱۷۷-۲۰۶.
- محمدی سیرت، ح. (۱۴۰۰). (ر. انصاری بارده، مصاحبه‌کننده)
- محمدی، م. (۱۳۹۲). *اسلام‌گرایی: گفتمان مقاومت. جامعه‌شناسی تاریخی*، ۷۱-۹۱.
- مهدی‌پور، آ. (۱۳۹۸). *تبیین مدل مفهومی مقاومت در اندیشه آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای. دانش سیاسی*، ۵۳۹-۵۶۶.
- ناظمی اردکانی، م.، & خالدیان، ص. (۱۳۹۷). *مولفه‌های فرهنگی گفتمان مقاومت اسلامی در جهان اسلام. مطالعات سیاسی جهان اسلام*، ۵۹-۸۶.
- هالستی، ک. (۱۳۸۸). *مبانی تحلیل سیاست بین‌الملل*. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- Buzan, B & ,waever, O. (2009) *Region and powers: The Structure of International Security*. London: Cambridge University Press.
- carr, E. (2016) *The Twenty Years Crisis: 1919-1393* London: Macmillan.
- Cox, M. (2002) "The Continuing Story of Another Death Foretold: Radical Theory and the New International Relation ." *In Harvey and Brecher, eds .*
- Keethaponcalan, S. (2016) *Reshaping the Non Aligned Movement: challenges and vision Journal of the Global South*, 16-32
- kharel, A. (2020) *Non-Aligned Movement: Challenges and Way Forward . Molung Educational Frontier*, 10, 1-12
- Zaccara, L. (2018) *Irans Foreign policy and Evolving Role of South-South Cooperation .Vestnik RUDN. International Relations*, 550-564
- Zakaria, F. (1998) *From Wealth to Power: The Unusual Origins of America`s World Role* .Princeton: Princeton University Press.

References

- Statements of the Islamic Republic of Iran Supreme Leader, Ayatollah Ali Khamenei, available on the website WWW.Khamenei.ir.
- Abbasi, Majid, and Habibi, Seyed Mehdi and Parsa, Sara (2013), Balance of Threat Theory: Structural Reasons for the Formation and Spread of Political Islam and Islamic Resistance in the Middle East, **the Islamic Revolution Approach**, 7 (24), 115-136. (In Persian)
- Aghili Seyed Vahid and Lotfi Haghighat Amir (2009), the Archeology of Knowledge and Discourse as an Introduction to Foucault's theory, **Journal of Iranian Social Development Studies**, 2 (1), 127-154. (In Persian)
- Buzan, Barry & Waeber, Ole (2009). *Region and powers: The Structure of International Security*, London: Cambridge University Press.
- Carr, E. H (2016). *The Twenty Years Crisis: 1919-1939*. London: Macmillan.
- Cox, M (2002). "The Continuing Story of Another Death Foretold: Radical Theory and the New International Relation." In Harvey and Brecher, eds.
- Dehghni Firoozabadi, Seyed Jalal (2016), **Principles and Fundamentals of International Relations** (2), Tehran: The Center for Studying and Compiling University Books in Humanities (SAMT). (In Persian)
- Dehghni Firoozabadi, Seyed Jalal (2017) **Foreign policy of the Islamic republic of Iran**, Tehran: The Center for Studying and Compiling University Books in Humanities (SAMT). (In Persian)
- Dolatyar, Mustafa (2020), Interview, Tehran: Institute for Political and International Studies (IPIS). (In Persian)
- Eftekhari, Asghar (2003), New Regionalism and security of the Islamic Republic of Iran, **Strategy**, 11(1), 279-290. (In Persian)

- Eftekhari, Asghar (2012), The Meaning and Practice of Soft War in Islamic revolution Discourse (based on Quranic Principles), **Pazuheshname-ye Enghelabe Eslami**, 1 (2), 1-27. (In Persian)
- Eftekhari, Asghar (2020), Resistance in Islam. Tehran: Andisheh Sazan Noor Institute. (In Persian)
- Eftekhari, Asghar and Janipoor Mohammad (2014) Sources of I.R.Irans Soft Power, **Pazuheshname-ye Enghelabe Eslami**, 3 (9), 23-46. (In Persian)
- Ganji, Abdullah (2021), Interview, Tehran: Javan newspaper office. (In Persian)
- Ghaderi Kangavari, Ruhollah (2013), Theory of Resistance in International Relations; Iranian-Islamic approach of Nafy-e-Sabil Rule and Challenge with the domination system, **Defense Policy**, 21 (82), 248-191. (In Persian)
- Ghaderi Kangavari, Ruhollah (2015), Resistance and Western Theories of International Relations, Tehran: Mokhatab. (In Persian)
- Ghavam Abdol –Ali (2015), **Principles of Foreign Policy and International Politics**, Tehran: The Center for Studying and Compiling University Books in Humanities (SAMT). (In Persian)
- Ghavam Abdol –Ali (2018), International Relations Theories Approaches, Tehran: The Center for Studying and Compiling University Books in Humanities (SAMT). (In Persian)
- Gohari Moghaddam, Abuzar (2021) Interview, Tehran: Islamic Parliament Research Center of the Islamic Republic of Iran. (In Persian)
- Holsti, Kalevi Jaakko (2009), **International Politics: A Framework for Analysis**, Translate: Bahram Mostaghimi and masoud Taramsari, Tehran: Institute for Political and International Studies (IPIS). (In Persian)
- Keethaponcalan, S.I (2016). Reshaping the Non Aligned Movement: challenges and vision, **Journal of the Global South**, 3, 16-32
- Khani, Mohammad Hassan (2020), Interview, Tehran: Imam Sadegh University. (In Persian)
- Kharel, A. (2020). Non-Aligned Movement: Challenges and Way Forward, **Molung Educational Frontier**, 10, 1-12.
- Mahdipour Assiyeh (2019), Explaining the Conceptual Model of Resistance in

- Ayatollah Khamenei's Thought, **Political Knowledge**, 15 (2), 539-566. **(In Persian)**
- Mohammadi Mahmood (2014), Islamic discourse of resistance, **Journal of Historical Sociology**, 5 (2), 71-91. **(In Persian)**
- Mohammadisirat Hosein (2021), Interview, Tehran: Imam Sadegh University. **(In Persian)**
- Mottaqi, Ibrahim (1999). "Orientation of Iran's Foreign Policy and Iran National Role from the Coup to the Islamic Revolution of Iran, **Name-ye Mofid**, 19, 177-206. **(In Persian)**
- Nazemi Ardakani Mehdi and Khaledian safar Ali (2018), **Political studies of Islamic World**, 2 (26), 59-86. **(In Persian)**
- Poostinchi, Zohreh (2011), Political Language of Islamic Resistance in International politics, **International relations Research Quarterly**, 1 (1), 97-129. **(In Persian)**
- Saeidi Rooholamin and Moshirzadeh Homeira (2017), Pluralism in International Relations and the Prospect for Non-Western IR Theory, **Political and International Approaches**, 8 (3), 90-118. **(In Persian)**
- Soltani, Seyed Ali Asghar (2004), Discourse Analysis as a Theory and Method, **Political Science**, 28, 180-153. **(In Persian)**
- Zaccara, Luciano (2018), Irans Foreign policy and Evolving Role of South-South Cooperation, *Vestnik RUDN. International Relations*, 18 (3), 550-564
- Zakaria, Fareed (1998). *From Wealth to Power: The Unusual Origins of America`s World Role*, Princeton University Press.